

سیستان و سرافرازی‌های ملی و فرا ملی آن

دکتر ایرج افشار سیستانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۵/۶/۱۷

چکیده

سیستان در خاور ایران قرار گرفته و از روزگاران کهن به انگیزه داشتن جایگاه ویژه جغرافیایی و شرایط اقلیمی و جایگاه ویژه سیاسی، ارزش بسیاری از دیدگاه استراتژیک داشته و هم‌گلوگاه هندِ زرخیز، به‌شمار می‌آمده است. سیستان سرزمین اساطیر ملی، زادگاه حماسه، خاستگاه نخستین فرهنگ‌های پیشرفته انسانی، کانون اجتماع‌های شهرنشینی، پل پیوند آسیای باختری با هند و چین و گذرگاه کاروان‌های بازرگانی بوده است. در دوران هخامنشی، در زمان داریوش بزرگ، بطلمیوس، نام «آریا پولیس» را برای سیستان عنوان کرده است که بیانگر یکی از کانون‌های بزرگ جمعیتی قوم آریا در سیستان است. نویسنده تاریخ سیستان، مردم سیستان را از نژاد زیبا و عالی دانسته و از آنان به‌عنوان مردمی سخت‌کوش، پرتوان، بلند اندام و تندرست، یاد کرده است. هنرهای گوناگون از هنگامی که انسان به گله‌داری و کشاورزی روی آورد، در سیستان پدید آمده و هم‌یار زندگی مردم نواحی گوناگون آن بوده‌اند. هنرمندان و صنعت‌گران سیستان، آثار برجسته و شاهکارهای گوناگونی پدید آورده‌اند که امروزه آذین‌بخش جایگاه‌های هنری جهان هستند و یا این که به‌نشانه سَمبُل یک کشور، انتخاب شده‌اند، مانند آسیای بادی سیستان که اکنون سَمبُل کشور هلند است.

کلیدواژگان

سیستان، اساطیر ملی، آریا پولیس، قوم آریا، آسیای بادی، گل‌نوشته عیلامی، جراحی، رستم‌زایی، شیوه منظم آبیاری

۱. پژوهشگر ارشد مسائل ایران‌شناسی و دکترای جامعه‌شناسی؛ Afsharsistani@yahoo.com

جایگاه جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی

سیستان در خاور ایران، در کنار مرز ایران و افغانستان قرار گرفته و از دیرباز به انگیزه داشتن جایگاه ویژه جغرافیایی، شرایط ویژه اقلیمی، هم‌جوار بودن با رودهای پربار هیرمند و هامون، بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین جهان که از دیدگاه جهانی، یکی از گنج‌های بزرگ «بیوسفری»^۱ یا «زیست کره‌ای» به‌شمار می‌رود و هم‌چنین جایگاه ویژه سیاسی، ارزش ویژه‌ای از دیدگاه استراتژیک داشته و هم‌گلوگاه هندِ زرخیز و خاور دور، به‌شمار می‌آمده است (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۱۶).

سیستان، سرزمین قهرمانان ملی از دوران باستان تا امروز، خاستگاه یکی از کهن‌ترین و پربارترین نمودهای فرهنگ ایرانی بوده و در دورانی بیش از ده‌هزار سال، همواره پایدار مانده است و آثار درخشان فرهنگ ایرانی، به‌گونه‌های گوناگون، در سراسر آن نمایان است. افزون بر آن، بزرگان، نجبان، دانشوران، چامه‌سرایان، فرمانروایان و هنرمندان بسیاری از جمله جهان‌پهلوان رستم، یعقوب لیث صفاری بنیان‌گذار نخستین دولت مستقل پهناور ایرانی پس از ساسانیان، ابوالفتح بُستی، ابوسعید سگزی، محمد بن و صیف سگزی، فرخی سیستانی و... را پرورانده است که شهرت جهانی دارند (همان: ۱۷).

سیستان یکی از جایگاه‌های ارزشمند در حوزه جغرافیایی خاور فلات ایران بوده است و مانده‌های مادی این فرهنگ، در پیوند با فرهنگ‌های موجود میان دشت سند تا میان‌رودان (بین النهرین)، دیده می‌شوند.

بنابراین، نقش این منطقه در گسترش فرهنگ‌های ایرانی و هم‌چنین انتقال اندیشه‌های وابسته به فرهنگ‌های هند و ایرانی در دوران پیش از اسلام و سپس در سده‌های شکوفایی هنری و تاریخی چهار سده نخست اسلامی، بسیار فراتر از نقش یک واسطه منطقه‌ای بوده است.

سیستان سرزمین اساطیر ملی، زادگاه حماسه، خاستگاه نخستین فرهنگ‌های پیشرفته انسانی، کانون اجتماع‌های شهرنشینی، پل پیوند آسیای باختری با هند و چین و گذرگاه کاروان‌های بازرگانی بوده است.

نام این منطقه از نام «سکاها» یکی از تیره‌های آریایی ساکن شمال فلات ایران گرفته شده است. سکاها در سال‌های ۱۲۸-۱۲۷ پ.م، زرنگیان (سیستان) را گشودند (گروسه، ۱۳۵۰: ۷۶) و این

۱. بیوسفر / biosphere / زیست کره / زیست / اسپهر: آن بخش از زمین که از دیدگاه گونه‌های گوناگون زیست مورد بهره‌برداری قرار گرفته و شامل سه بخش: سنگ اسپهر، آب اسپهر و آتمسفر است (جعفری، ۱۹۸: ۱۳۷۲).

منطقه از آن زمان، در فهرست نام‌های ایرانی، کشور «سکاها» خوانده شد و آن دودمانی بوده است که بیش‌تر آبادانی‌های این سرزمین، به کوشش و پایمردی آنان پدید آمده و سپس سکستان و سگزستان، در زبان فارسی دری «سیستان» خوانده شده است (بلتیکی، ۱۳۶۴: ۱۳۳). پیش از آن، این منطقه را «درنگیان» و «زرنگیان» می‌نامیدند. در ستون ۱، بند ۶، سنگ‌نوشته بیستون داریوش هخامنشی نیز، به همین نام از آن یاد شده است (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۳۱۸ و ۳۲۸). رودهای بسیار سیستان، دریاچه هامون و پُر آبی منطقه، انگیزه‌ای شده بود که این سرزمین «زرنگ» یا کشور «دریها» خوانده شود (شاه حسینی، ۱۳۵۵: ۲۵).

سیستان باخاکی آبرفتی و آب بسیار، یکی از مناطق حاصل‌خیز کشور است و در گذشته یکی از آبادترین ایالت‌های ایران بوده و «سرزمین زرخیز» و «انبار گندم ایران و آسیا» خوانده شده است (پورداد، ۱۳۵۶: ۲/۲۹۵).

سیستان، همانند دیگر بخش‌های باستانی ایران، گاهواره فرهنگ نخستین آریایی‌ها بوده و پراکندن فرهنگ بزرگ آریا، توسط آریاهای ساکن فلات ایران، به ویژه سیستان، به اروپای خاوری و باختری صورت گرفته است.

در دوران هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پ.م) در زمان داریوش بزرگ، بطلمیوس نام «آریا پولیس»^۱ را برای سیستان عنوان کرده است که بیانگر یکی از کانون‌های بزرگ جمعیتی قوم آریا در سیستان است (راولینسون، ۱۳۷۸: ۳۰۴).

گروهی از دانشمندان، جایگاه نخستین هند و اروپایی‌ها را در فلات ایران دانسته و می‌پندارند که اینان از آن جا کوچ کرده‌اند، دسته‌ای به هندوستان و دسته دیگر به اروپا رفته‌اند و کنار رود دانوب را زیست‌گاه هند و اروپایی دانسته‌اند. در سده‌های میانه، بخش بزرگی از خاور دانوب تا پامیر را نه تنها قوم هند و اروپایی، بلکه قوم ایرانی ساکن بوده است و تمامی این منطقه در دوران‌های تاریخی، یعنی زمان سنگ‌نوشته‌های داریوش هخامنشی، مسکن ایرانی‌ها، به ویژه سیستانی‌ها بوده است (فره‌وشی، ۱۳۷۴: ۱-۲).

سرپرسی سایکس بر این باور بوده است که بعضی از قوم‌های انگلستان از جمله ساکسون‌ها از شاخه باختری آریاهای سیستان هستند، یعنی مردمان با فرهنگ پیشرفته و شکوفایی که در ۶ هزار سال پیش، در سیستان می‌زیستند و بعدها در پهنه اروپا پدیدار گشتند (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۶۹).

هنری ساوَج لندور انگلیسی تبار که از ششم دسامبر ۱۹۰۱ م تا دهم ژانویه ۱۹۰۲ م، در سیستان به سر می‌برده، نوشته است:

«می‌گویند ایران کشوری است که نژاد ما (انگلیسی‌ها) از آن جا مهاجرت کرده است. ممکن است چنین باشد، هرگاه این طور باشد، بایستی به ما تبریک گفت که این اندازه‌ها خود را اصلاح کرده ترقی کرده ایم» (محمود، ۱۳۴۵: ۷/۶۱).

نویسنده تاریخ سیستان، مردم سیستان را از نژاد زیبا و عالی دانسته و از آنان به عنوان مردمی سخت‌کوش، پرتوان، بلند اندام و تندرست، یاد کرده است (تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۱۲).

در بررسی‌های هیأت‌های علمی دانشگاه پنسیلوانیا که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی/۱۹۴۹ م، به منظور پیدایی آثار انسان پیشین و بررسی‌های نژاد شناختی در نیمه شمالی ایران انجام شد از راه اندازه‌گیری‌های نژادی، معلوم گردید در سیستان، نژادی زیبا و خوش اندام وجود دارد و هم‌چنین مردمی که در پیرامون دریاچه هامون به سر می‌برند، فک‌های پهن و نیرومند و گونه‌های برجسته دارند و دیگر ویژگی‌های آنان، همانند مردم «پالتولیتیک»^۱ و «اینوها»^۲ و هم‌چنین بومیان استرالیا و ژاپن میباشد که همه از نیاکان نژاد سفید هستند (صمدی، ۱۳۳۴: ۱۵۳-۱۵۴).

زکریا قزوینی، نویسنده آثار البلاد و اخبار العباد، نوشته است:

«خوش رفتاری، نیکوکاری، آیین‌داری، پرهیزگاری، هرکاری خدایند، برو در سیستان ببین که در سراسر سرزمین، درست کارتر، با انصاف‌تر، خوش‌زبان‌تر از بازاریان سجستان یا سیستان نیست. تشمت طلا بر سر نه و باکی مدار. امر به معروف می‌کنند و هر کسی را از ناروا باز می‌دارند و طعنه می‌زنند، حتی اگر جان در راه حق بدهند، باک ندارند» (قزوینی، ۱۳۶۶: ۳۸).

سیستان در حوزه علوم و حکمت جایگاه والایی دارد و پژوهندگان و تاریخ‌نگاران، تأثیر فرهنگ دیرینه سیستان و حوزه فرهنگی هیرمند را بر ایران و جهان اسلام و حتی فرهنگ انسانی، ژرف دانسته‌اند.

نخستین پهلوان حماسی ایران و پاسدار فرهنگ و رادمردی ایرانیان، رستم جهان پهلوان در شاهنامه فردوسی از سیستان گزینه شده است.

یعقوب لیث صفاری سیستانی، قهرمان ملی و نخستین شهریار ایران پس از اسلام و زنده کننده

۱. Paleolithic: این دوره که نخستین بخش دوره پارینه سنگی را تشکیل می‌دهد، برابر است با اوایل دوره زیست انسان پیش از تاریخ که از ۵۰۰ هزار تا ۸ هزار سال پیش به درازا کشیده است (جعفری، ۱۳۷۲: ۲۴۷).

2. Aiy nou

زبان و ادبیات و استقلال ایران از سیستان برخاسته است.

اهمیت تاریخی زبان فارسی برای تمامی ایرانیان از هر قوم و گویشی تا بدان اندازه بود که پس از استقرار نیرومندترین دولت ایرانی پس از ساسانی، یعنی دولت صفاری (افشار سیستانی، چهارم شهریور ۱۳۸۶) در سال ۲۵۴ ه.ق، یعقوب لیث، زبان فارسی را، زبان رسمی ایران کرد و این رسمیت تا کنون ادامه دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳). هم‌چنین نخستین قانون‌های بیمه‌های اجتماعی رایگان، به فرمان یعقوب لیث تهیه و تدوین شده است.

نخستین مردمی که در زمان خلفای ستمگر، سب مولا علی (ع) نکردند و حاضر شدند گیسوان بانوان‌شان را بتراشند، اما ننگ دشنام به علی (ع)، نخستین امام شیعیان جهان را بر دست و پای آزادگی و وجدان بیدار خویش نبستند، سیستانیان بودند (افشار سیستانی، ۱۳۶۷: ۵۱). نخستین دانشمندی که اُسْطُراب زورقی را آفرید و زیج مأمونی را بنیاد نهاد، استاد ابوسعید سگری اهل سیستان بوده است.

در چند دهه تازه نیز ادامه این سرافرازی‌ها، نام سیستان را در بالاترین سربلندی و سرافرازی قرار داده است از جمله سردار علی خان سرابندی (محمود، ۱۳۴۵: ۳/۹۹۶) و آیت الله آقا ملا محمد مهدی، روحانی و مجتهد بزرگ سیستان، نخستین کسانی بوده‌اند که پرچم بریتانیا را در دوران قاجار از فراز دژ سه کوهه سیستان، به زیر کشیده و آتش زدند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۲/۹۰۸). نخستین شهیدان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نخستین جوانان تیرباران شده سیستانی در زندان‌های رژیم پهلوی، نخستین زندانیان و تبعید شدگان دوره ستم شاهی، یعنی سردار محمد رضا خان پردلی و آیت الله محمد ابراهیم شریفی و حجت الاسلام شهید سید محمد تقی حسینی، خط شکنان مبارزه با رژیم بوده‌اند.

جایگاه هنر و فرهنگ‌سازی

هگل^۱، دانشمند آلمانی بر این باور بوده است که ریشه رشد با تاریخ ایران آغاز می‌گردد؛ این، بنابراین به گونه ویژه آغاز تاریخ جهان است (Hegel, 1956: 174).

تأثیر فرهنگ ایرانی، به‌ویژه سیستان که از یکتاپرستی جان و توان گرفته است و نیز رخنه و حضور فرهنگ پُردامنه بویا و پُرآوازه ایران و سیستان، بر روی فرهنگ بسیاری از مردمان و

1. Hegel (1770 - 1830)

کشورها در دوران‌های گذشته و اکنون، ژرف و گسترده است (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). در سده ۱۹م، نیز بعضی از دانشمندان، همین دیدگاه را داشتند از جمله «کرویزر» در کتاب «سیمبولیک و میتولوژی»^۱ که در سال‌های ۱۹۱۹-۱۸۲۱م، نوشته شده است، پیدایش‌گاه تمامی فرهنگ‌های جهان را از این سرزمین دانسته است (نیرنوری، ۱۳۷۹: ۲).

امیل گروسه، نویسنده کتاب *روح ایران* بر این باور بوده است که مردم ایران از جمله سیستان، حق بزرگی به گردن انسان‌ها دارند؛ زیرا به گواه تاریخ، ایران با فرهنگ نیرومندی که در گذر سده‌ها پدید آورده، وسیله سازگاری هم آهنگی را میان کشورها ایجاد کرده است. در اثر رخنه اندیشه‌ها و فرهنگ ایرانی، نژادهای گوناگون، دارای ایمان و باور همگانی شده‌اند. چاهمه‌سُرایان ایران، جهانی را بهره‌مند نموده‌اند، عارفان کشور، با این که مسلمان هستند، همان اندازه دل یک مسیحی را به تپش در می‌آورند، که دل یک برهمن را و به همین رو، به تمام انسانیت بستگی دارند (نصر، (به نقل از کتاب *L,āme de L,Iran*، امیل گروسه، ص ۹: ۱۳۵۰: ۳۹۷).

هنرهای گوناگون از هنگامی که انسان به گله‌داری و کشاورزی روی آورد، در سیستان پدید آمده و هم‌پار زندگی مردم نواحی گوناگون آن بوده‌اند. هنرمندان و صنعت‌گران سیستان، آثار برجسته و شاهکارهای گوناگونی پدید آورده‌اند که امروزه آذین‌بخش جایگاه‌های هنری جهان هستند و یا این که به نشانه سَمبُل یک کشور، انتخاب شده‌اند، مانند آسیای بادی سیستان که اکنون سَمبُل کشور هلند است.

بنابراین، می‌توان گفت که سیستانی‌ان و مردم دیگر نواحی ایران، نه تنها از دیدگاه فرهنگی و هنری از باشندگان کشورهای دیگر، پیش‌تر و برتر بوده‌اند؛ بلکه به دلیل آرزومندی، هنر و هوش سرشار خود، فرهنگ‌ساز بوده و در فرهنگ مردمان برخی از سرزمین‌ها، رخنه نموده‌اند. اما برخی از شیوه‌های فرهنگی که نگرش جهانی و جهان‌میهنی را به جهانیان فرمان می‌دهند، خود در پی آنند که همه کوشش‌های ایرانیان را به نام خویش در بیاورند.

امروزه در تمامی دانش‌نامه‌ها، تاریخ هنر و... که در جهان نوشته می‌شود، چنان ایران، از جمله سیستان را فراموش می‌کنند و بهره ایرانیان را در پدید آوردن همه زمینه‌های دانش و هنر ناچیز نشان می‌دهند که گویی در پس این فراموشی، یک هماهنگی سازمان یافته پنهان است. در حالی که ایرانیان، نخستین مردم جهان‌اند که دانش را در جهان، به درختی یگانه، مانند کرده‌اند و این

برای آن است که ما خود، خامه به دست نگرفته بودیم و خود در فرهنگ پُربار ایران زمین، کم‌تر پژوهش کرده بودیم (فرشاد، ۱۳۷۶: ۴۲۴).

از آن جا که ریشه‌های ماندگاری، پویایی و روند زیست یک قوم، سرزمین و فرهنگ، در هویت نمایان می‌شود و نباید از آن بی‌خبر بود، ایرانیان برای جلوگیری از بحران گسترده و فراگیر هویت در جامعه و شأن زندگی شخصی‌شان، نمی‌توانند و نباید جدا از تاریخ و میراث خود باشند. هر سیستانی می‌تواند بهترین ریشه‌های هویتی‌اش را، در گذشت تاریخی، فرهنگی و دینی خود بیابد و با این پشتوانه، به سوی آینده و فردا گام بردارد. به همین رو، به منظور آگاهی مردم ایران و جهان، به ویژه مردم آزاده و پاک‌اندیش سیستان، به شماری از کارهای سیستانی‌ان که بیانگر هویت ملی و جایگاه فرهنگ و هنر آنان در جهان است، اشاره می‌شود.

سفال

داده‌های باستان‌شناسی روشن ساخته است که فرهنگ و به ویژه هنر سفال‌سازی شهر سوخته سیستان و دیگر مناطق ایران، چند هزار سال از فرهنگ مصری و دیگر کشورهای جهان جلوتر بوده است.

فیلندرز پتری، خاورشناس برجسته، در سخنرانی خود، در بنگاه سلطنتی انگلستان گفته است: هنگامی که مصر تازه هنر کوزه‌گری را در مرحله «مگدالین»^۱ ۶ تا ۹ هزار سال پیش، آغاز کرده بود، مردم برخی جاهای ایران از جمله شوش، شهر سوخته سیستان و به کار نقاشی‌های زیبا، روی کاشی می‌پرداختند و در مرحله «سُلوترین»^۲ ۹ تا ۱۲ هزار سال پیش بوده‌اند.

این گفته، بیانگر آن است که فرهنگ ایرانی ۳ هزار سال جلوتر از فرهنگ مصری و دیگر کشورها بوده است و آغاز آن به ۱۲ هزار سال پیش، یعنی پایان دوره وُرم یا دوران یخبندان سوم می‌رسد (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۲۳).

ظرف‌های سفالی، وجود فرهنگ نخستین سیستان را در برخی جاهای آن که از دیدگاه تاریخی، دوره «پارینه سنگی» می‌باشد، ممکن ساخته است (فرای، ۱۳۴۴: ۸). نقش‌های هندسی و خط‌های

۱. مگدالین Magdalenian، نام فرهنگی آخر دوران دیرینه سنگی بیش‌تر مناطق اروپا، برگرفته از نام منطقه «مدلین Madeleine» در جنوب باختری فرانسه نزدیک اسپانیاست.

۲. سُلوترین Solutrean، یک نام صنعتی از دوران دیرینه سنگی پیش از دوران «مگدالین» است که در مناطقی از فرانسه و اسپانیا کاربرد دارد و برگرفته از نام منطقه «سولیتِر Solutre» در فرانسه است.

دنداندار و شکل‌های جانوران ظرف‌های سفالی به دست آمده از سیستان، همانند ظرف‌های پیش از تاریخ تپه حصار دامغان، گیان نه‌اوند و شوش است که در سنجش با آن‌ها، دیرینگی فرهنگ سیستان به ۴ تا ۵ هزار سال پیش از میلاد، می‌رسد (صمدی، ۱۳۳۴: ۳/۱۵۵).

خط و الفبا

سیستانی‌ان پدیدآورندگان خط بوده‌اند و ایران خاستگاه نخستین خط و الفبا در جهان است و آفریدن آن، سازه ریشه‌ای، رشد، گسترش، پایداری فرهنگ و انتقال آن به زاده‌های بعدی بوده است. بر پایه کاوش‌های باستان‌شناسی و آثار پیدا شده و خواندن سنگ‌نوشته‌ها و به دست آمدن اسناد و مدارک تازه به شرح زیر، دیرینگی و بستگی و آفریدن خط به نیاکان آریایی‌ها از جمله سیستانی‌ان، آشکار گردیده است:

- ۱-۲- آثار به دست آمده از شهر سوخته سیستان، تپه‌های سیلک کاشان و مارلیک گیلان.
- ۲-۲- پیدا شدن استوانه‌ها و مهره‌های نگارین به خط میخی سومری‌های آریایی در باختر ایران، در ۵ هزار سال پیش از میلاد.
- ۳-۲- وجود نسخه‌های خطی اوستا، در ۶ هزار سال پیش از میلاد که روی ۱۲ هزار پوست گاو، با خط زرین، نوشته شده بودند (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۹-۲۰).
- ۴-۲- پیدایی گل‌نوشته از دوران آغاز عیلامی، در لایه ۱۰ شهر سوخته سیستان که دیرینگی آن، به سال‌های ۳ هزار و ۲۰۰ پیش از میلاد می‌رسد (افشار سیستانی، ۱۳۸۲: ۴۳).
- ۵-۲- خط معقلی، جلیلی و دیباج: در حدود سال ۶۰ ه.ق، دانشمند ایرانی به نام ابراهیم سگزی «سیستانی» در خط مُسند (کوفی) ابتکاری نشان داد و ۱۵ حرف از حرف‌های اوستایی را، به جای حرف‌هایی که در خط مُسند بود، به کار بُرد و برای آن، قاعده وصل ترتیب داد و به این گونه، خط معقلی پدید آمد که از خط مُسند نخستین، آسان‌تر و فراگرفتن و خواندن و نوشتن آن نیز، آسان‌تر می‌نمود (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۷۱۳).
- پس از ابراهیم سگزی، برادرش یوسف سگزی «سیستانی» از خط معقلی، دو قلم دیگر به نام جلیلی و ثلثین استخراج کرد. این ندیم، نوشته است: «قلم جلیلی پدر تمام قلم‌ها و خط‌های اسلامی است». یوسف سگزی از این قلم نیز، دو قلم دیگر استخراج کرد: یکی دیباج و دیگری سجلات. قلم دیباج را در نوشتن طومارها به کار می‌بردند (همان: ۷۱۵-۷۱۸).

پزشکی

بر پایه نوشته‌های تاریخی، هنری و فرهنگی ایران باستان، می‌توان گفت، که نیاکان ما، در رشته‌های گوناگون دانش‌ها، دارای آثار ارزشمندی بوده‌اند و از خود برجای گذاشته‌اند. از آن جمله در دانش پزشکی نیز دانشمندان سیستانی باستان، به پیشرفت‌های بسیار دست یافته بودند که در پیمایش زمان و رُخدادهای پیاپی، بسیاری از آن‌ها دستخوش نابودی گردید، چنان که از آن همه نوشته‌ها و پژوهش‌های پُرمایه و تجربه علمی بسیار، امروز اشاره‌های اندکی در آثار پیشین به جا مانده است. با این حال می‌توان تا اندازه‌ای به چگونگی دانش پزشکی در سیستان باستان و روش درمان و تشخیص بیماری‌ها و داروها پی برد (افشار سیستانی، ۱۳۸۲: ۲۶).

دیرین‌ترین داستانی که در ادبیات ایرانیان درباره جراحی آمده، عمل رستم زایی، رستمی، شکاف رستمی (سزارین) است (محمود بختیاری، ۱۳۶۱: ۲۸۸). رودابه همسر زال، نخستین بانوی ایرانی است که شکم او را شکافته‌اند تا کودک خود، رستم، قهرمان ملی را به شیوه رستمی به جهان هستی آورد و این شکاف، «شکاف رستمی» نامیده شد (افشار سیستانی، ۱۳۸۰: ۳۶-۳۹).

نخستین زایمان غیرطبیعی در ایران و جهان، در سیستان و بر روی رودابه، مادر رستم، در روزگار هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پ.م) یا کیانی که هم‌زمان با هخامنشیان بودند، انجام شده است تا رستم بدون رنج، گام به جهان هستی گذارد. در حالی که ژولین سزار که هم‌زمان ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م) می‌زیسته، سده‌ها پس از رستم، آن هم به روش زایمان طبیعی، به دنیا آمده است (افشار سیستانی، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹).

در شهر سوخته سیستان (۳۲۰ پ.م)، جمجمه دختر ۱۳-۱۴ ساله‌ای در یکی از آرامگاه‌های گور دسته جمعی پیدا شده است. بخش راست این جمجمه، دارای بریدگی ژرف مثلث شکلی است که بر پایه دیده‌های نخستین باستان‌شناسان و بررسی‌های بعدی «مکیارلی» انسان‌شناس، این بریدگی، فرایند انجام یک عمل جراحی برای درمان بیماری «هیدروسفال» در زمانی حدود ۴ هزار و ۸۰۰ سال پیش و شاید دیرین‌ترین است. دختر نوجوان پس از عمل جراحی بیش از ۶ ماه، زنده مانده است. بنابراین، می‌توان گفت که پزشکان سیستانی شهر سوخته، بیش از ۵ هزار سال پیش، بیماری و شیوه‌های درمان آن را می‌دانسته‌اند (افشار سیستانی، زمستان ۱۳۸۲: ۴۴-۴۵).

ابوالقاسم احمد بن جیهانی (۳۴۵ ه.ق)، نویسنده کتاب *اشکال العالم* از وجود بیمارستان و درمان بیماران در شهر «زرنگ»، پایتخت سیستان، یاد کرده است که بیانگر شکوفایی فرهنگ مردم این سامان، به ویژه در کار پزشکی است (تاج‌بخش، ۱۳۷۹: ۸۹-۹۰).

آبیاری و بندسازی

ریزش‌های جوی و کمی سرچشمه‌های آب در سیستان، انگیزه شده است تا سیستانی‌ان از دیرباز برای تهیه، اندوخته و بهره‌برداری آب، راهکارهای نوینی را بیابند و مهندسان این سرزمین با آفریدن شیوه‌های مدیریتی ژرف‌نگر و کارآمد، برای تهیه، افزایش بازده و پخش آب، گام‌های ارزشمندی بردارند. وجود آثار، ساختمان‌ها و سازه‌های بسیار و گوناگون فرهنگ آبی سیستان که با وجود گذشت سده‌ها و رو به رویی با رخدادهای دگرگونی‌های طبیعی، هم‌چنان پایدار مانده‌اند، نشانگر هوشمندی، اُستادی و مدیریت کم‌نظیر مهندسان این منطقه است (افشار سیستانی، سخنرانی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶).

سیستان در دوران باستان شیوه بسیار منظم آبیاری مصنوعی از راه ایجاد شبکه پهن‌آور بندها، نهرها و جویبارهای جدا شده از رودخانه هیرمند داشته است (نیرنوری، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۹).
 روش آبیاری در دوران ساسانی، نه تنها در بخش باختری قلمرو آن دولت، بلکه در بخش‌های خاوری آن، یعنی سیستان در حوزه هیرمند و خراسان در حوزه مرغاب نیز به برتری رسیده بوده است و مهندسان و آب‌شناسانی که عرب‌ها در سده ۷ م از سیستان به «مکه» در شبه جزیره عربستان برده بودند، در پیرامون آن شهر، به مدیریت و امور آبیاری پرداختند و تمامی کسان اسیر سیستانی که در کار تهیه آب و آبیاری بودند، آزاد شدند (بارتولد، ۱۳۵۰: ۱۲).
 مردم سیستان از دوران باستان به این سو، دریافته بودند که برای بهره‌گیری درست از آب رودخانه هیرمند، بایستی آن را در اختیار گیرند و جلوی آن، بند بزنند تا از آب سرکش رودخانه به دلخواه بهره‌گیری شود. به همین رو، از دوران هخامنشی به بعد، بندهایی بر روی هیرمند ساخته بودند (افشار سیستانی، سخنرانی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶). برخی از بندهای شناسایی شده، عبارت بودند از: کوشک غلامان، انوشیروان، رستم (بند ترقو)، هاونک، بولباکا یا بولباخان، کزک، رودبار (بندسار و تار)، بابا خان، کهک (بند سیستان) (احمدی، ۱۳۸۲: ۴ و ۱۸ و ۲۳).

آسیای بادی

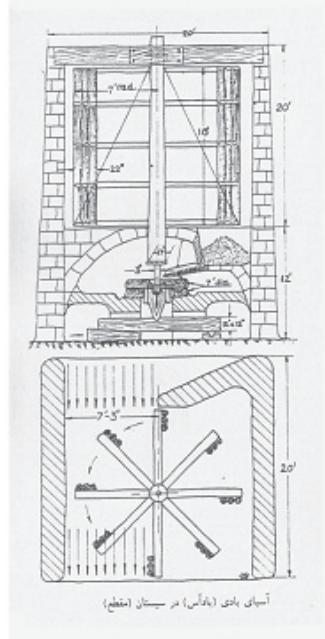
بیش‌تر تاریخ‌نگاران، فن‌آوری پیدایی آسیاهای بادی را، برای نخستین بار توسط ایرانیان و از خاور ایران، یعنی سیستان دانسته‌اند و از آن جا به خراسان و همچنین به اروپا و دیگر کشورهای جهان فرستاده شده و هلندی‌ها نیز بر این باورند که آسیای بادی از سیستان به آن جا رفته است.

نخستین نوشته‌ای که از بادآس یاد کرده، کتاب هندی به نام *آرتا ساسراکنتیلا*^۱ در ۱۴۰۰ پ.م است (فرشاد، ۱۳۷۶: ۹۹). بیشتر پژوهشگران، زمان پیدایی آسیای بادی را ۱۷۰۰ پ.م، تخمین زده‌اند و برخی دیگر، زمان پیدایی آن را، سال ۲۰۰ پ.م دانسته‌اند. نمونه‌ای از آسیاهای بادی سیستان در دو طرح شماره ۱ و ۲ آورده شده است.

(۲)



(۱)



طرح شماره ۱؛ راست: آسیای بادی (باد آس) در سیستان

طرح شماره ۲؛ چپ: طرح آسیای بادی؛ ترسیم دمشقی از یک آسیای بادی (سده دهم میلادی)

از اوایل دوران اسلامی، در نوشته‌های موجود از جمله *تاریخ ابن خلدون*، *مروج الذهب*، *مسالك و ممالک*، *حدود العالم* و... درباره آسیای بادی، یعنی نیرویی که از آن، برای آرد کردن گندم و بالا آوردن آب بهره‌گیری می‌شود گفت‌وگو شده است (وولف، ۱۳۷۲: ۲۵۶).

آقای عبدالحسین مفتاح، سفیر ایران در هلند، در اردیبهشت ۱۳۳۸ خورشیدی، در گزارش خود به وزارت امور خارجه، درباره آسیای بادی سیستان نوشته است:

«چیز دیگری که در هلند شهرت دارد و از ایران به آن جا رفته، آسیای بادی است. کسانی که به

خاور ایران، به ویژه سیستان و آن نواحی سفر کرده باشند، با آسیای بادی ایرانی آشنا هستند. آسیای سیستانی به شکل چرخ فلک ساخته شده که میان دو پایه یا دیوارهایی نصب گردیده است، در حالی که پره‌های آسیای هلندی به شکل هلیس یا پروانه هواپیما ساخته شده‌اند. برخی دانشمندان اروپایی معتقد هستند که آسیای بادی توسط مجاهدان جنگ‌های صلیبی قرون وسطی به اروپا رفته است. در نمایشی که در چند سال پیش در هلند از اشیای هلندی خارجی الاصل برپا شده بود، نمونه بادی سیستان، به جای نمونه اصلی آسیای بادی اروپایی (هلندی) در معرض نمایش گذارده شده بود» (مفتاح، ۱۳۳۸: ۱۳).

نتیجه‌گیری

منطقه سیستان سرزمین اساطیر ملی و زادگاه حماسه‌ها، در خاور ایران، در دشت پست و همواری با پهنه ۱۵ هزار و ۳۶۷ کیلومتر مربع قرار گرفته است.

سیستان در زمان ورود مسلمانان به منطقه (در سال ۲۳ قمری) بزرگ‌تر از خراسان بوده و کابل پایتخت کنونی افغانستان را در بر می‌گرفته است (اشپولر، ۱۳۸۶: ۷۴).

سیستان همانند نگینی برآمده از آبرفت‌های رود هیرمند است و کوه خواجه تنها پدیده طبیعی است که در این منطقه دیده می‌شود و بقیه دشت از جنوب خاور و مرز افغانستان در نقطه ورودی رود هیرمند به سیستان به سوی باختر به دریاچه‌های سه گانه هامون پایان می‌یابد (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۱۶).

از دید آب و هوایی دشت سیستان در تیپ آب و هوایی خشک بیابانی قرار دارد. وزش بادهای ۱۲۰ روزه این منطقه که سرعت آن به ۱۲۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد از میانه بهار تا آخر تابستان در سخت کردن نیاز آبی منطقه، کارگر و بر خشکی پیرامون، نقش هم‌سنگ کننده دارد. دوری سیستان از دریای مکران به خط مستقیم حدود ۶۰۰ کیلومتر و بلندی آن از سطح دریا، ۴۷۵ تا ۵۰۰ متر است (بوترابی، ۱۳۴۱: ۱۳).

سیستان با زمین‌هایی آبرفتی، یکی از مناطق حاصل‌خیز ایران است و در گذشته از آبادترین ایالت‌های ایران بوده و «سرزمین زرخیز» و «انبارگندم ایران و آسیا» خوانده شده است.

نخستین مردمی که در زمان خلفا، سب مولا علی (ع) نکردند و حاضر شدند گیسوان بانوان‌شان را بتراشند، اما ننگ دشنام به امام علی را بر دست و پای آزادی و وجدان بیدار و خویش نبستند، سیستانیان بودند.

منابع فارسی

کتاب

- ابوالقاسمی، محسن؛ تاریخ مختصر زبان فارسی، تهران: کتابخانه طهوری، بهار ۱۳۷۸.
- احمدی، حسن؛ سده‌های باستانی در سیستان، تهران: دانشگاه تهران، ۲۶ آذر ۱۳۸۱.
- اشپولر، برتولد؛ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۶.
- افشار (سیستانی)، ایرج؛ بزرگان سیستان، تهران: نشر مرغ آمین، تابستان ۱۳۶۷.
- _____؛ پزشکی سنتی سیستان، زابل: دانشگاه زابل، ۱۳۸۲.
- _____؛ «جایگاه فرهنگ و هنر ایران در جهان»، مجموعه مقالات هنر و جهانی شدن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهار ۱۳۸۵.
- _____؛ سیستان نامه، جلد دوم، تهران: نشر مرغ آمین، ۱۳۶۹.
- _____؛ سیستان و نخستین عمل رستم زاد / سزارین در ایران و جهان، زابل: دانشگاه زابل، ۱۳۸۰.
- _____؛ ویژگی‌های اخلاقی و نژادی مردم سیستان، زابل: دانشگاه زابل، ۱۳۸۱.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ؛ آبیاری در ترکمنستان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- بلنتیکی، آ؛ خراسان و ماوراءالنهر، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۴.
- بوترابی، محمد؛ سیستان و مسائل عمرانی آن، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۴۱.
- پورداود، ابراهیم؛ یشت‌ها، جلد دوم، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- تاج بخش، حسن؛ تاریخ بیمارستان‌های ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
- تاریخ سیستان؛ تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: کتابخانه زوار، ۱۳۱۴.
- جعفری، عباس؛ فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، تهران: انتشارات گیتاشناسی، مرداد ۱۳۷۲.
- حکمت، علیرضا؛ آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، ۱۳۵۰.
- دیاکونوف، ا.م؛ تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.

- راولینسون، سرهنری؛ یادداشت‌های سیستان، ژورنال انجمن سلطنتی جغرافیایی لندن، شماره ۴۳، ۱۸۷۳ م، ترجمه حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۸.
- سایکس، سرپرسی؛ سفرنامه سایک، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: انتشارات لوحه، ۱۳۶۳.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین؛ تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی، تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- صمدی، حبیب‌الله؛ سیستان از نظر باستان‌شناسی، گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد سوم، تهران: اداره کل باستان‌شناسی، ۱۳۳۴.
- فرای، ریچارد. ن؛ میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- فرشاد، مهدی؛ تاریخ مهندسی در ایران، تهران: نشر بلخ، ۱۳۷۶.
- فره‌وشی، بهرام؛ ایرانویج، تهران: دانشگاه تهران، تیر ۱۳۷۴.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود؛ آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمان شرف‌کندی (هه‌ژار)، تهران: انتشارات اندیشه جوان، ۱۳۶۶.
- گروسه، رنه؛ امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- محمود بختیاری، علیقلی؛ زمینه فرهنگ و تمدن ایران، تهران: انتشارات پازنگ، ۱۳۶۱.
- محمود، محمود؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، جلد هفتم، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۴۵.
- نصر، سید تقی؛ ابدیت ایران، تهران: چاپ کیهان، ۱۳۵۰، به نقل از کتاب *L'âme de L'Iran*، امیل گروسه.
- نیر نوری، حمید؛ سهم ایران در تمدن جهان، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
- وولف، هانس ای؛ صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- همایون‌فرخ، رکن‌الدین؛ سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان، تهران: هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، مهرماه ۱۳۵۰.

مقاله

- افشار (سیستانی)، ایرج؛ «شهر سوخته، پهناورترین شهر دوران آغاز شهرنشینی در خاورمیانه»، فصلنامه مهندسان شهرسازی ایران، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۲.
- مفتاح، عبدالحسین؛ «روابط ایران و هلند»، نشریه وزارت امور خارجه، شماره دهم، دوره دوم، مهرماه ۱۳۳۸.

سخنرانی

- افشار (سیستانی)، ایرج؛ سخنرانی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶، در سمینار بین‌المللی تاریخ آبیاری و زهکشی هم‌زمان با چهارمین کنفرانس منطقه‌ای آسیا و دهمین سمینار بین‌المللی مشارکت در مدیریت آبیاری (PIM) در ایران، تهران: ۱۲-۱۵، اردیبهشت ۱۳۸۶ خورشیدی.
- _____؛ سخنرانی چهارم شهریور ۱۳۸۶ خورشیدی، در دانشگاه فردوسی مشهد، در دومین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ۴ تا ۶ شهریور ۱۳۸۶ خورشیدی.

منبع انگلیسی

- Hegel, G. W. F. The Philosophy of History Publications Inc Dover New York, 1956, P. 174.